



پرتال جامع علوم انسانی

امیر علیزادگان

تاریخچه تئاتر در تبریز (۶)



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عکسرها از: فاطمه، پورحسینی

شرح حال:

نام: صمد

نام خانوادگی: صباحی میاب

نام پدر: یونس^۱

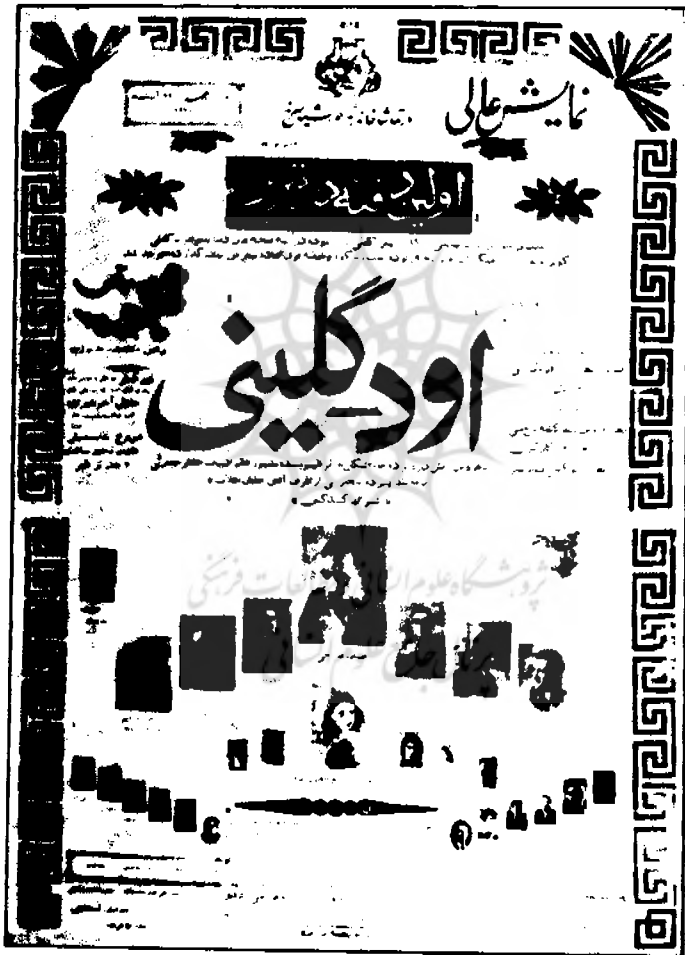
نام مادر: گلستان

تاریخ تولد: بهمن ماه ۱۲۹۳ شمسی

تاریخ وفات: تیرماه ۱۳۵۷ شمسی

«صمد صباحی» در بهمن ماه ۱۲۹۳ شمسی در شهر گنجه در خانواده‌ای ایرانی‌الاصیل چشم به جهان گشود^۲. وی در دوران تحصیل و از سیزده سالگی به تئاتر روی می‌آورد و به سال ۱۳۱۷ پس از گذراندن تحصیلات تئاتری در «تکنیکوم تئاتر» شوروی به ایران بازگشته و در شهرهای کوچک ایران از جمله مراغه و مرند به اجرای نمایش‌هایی می‌پردازد. اولین اجرای تئاتری وی در شهر تبریز نمایشنامه «اودگلینی = عروس آتش» اثر جعفر جبارلی است که توسط هیئت هنرپیشگان درام و اپرت تبریز در تاریخ آبان‌ماه ۱۳۲۰ شمسی

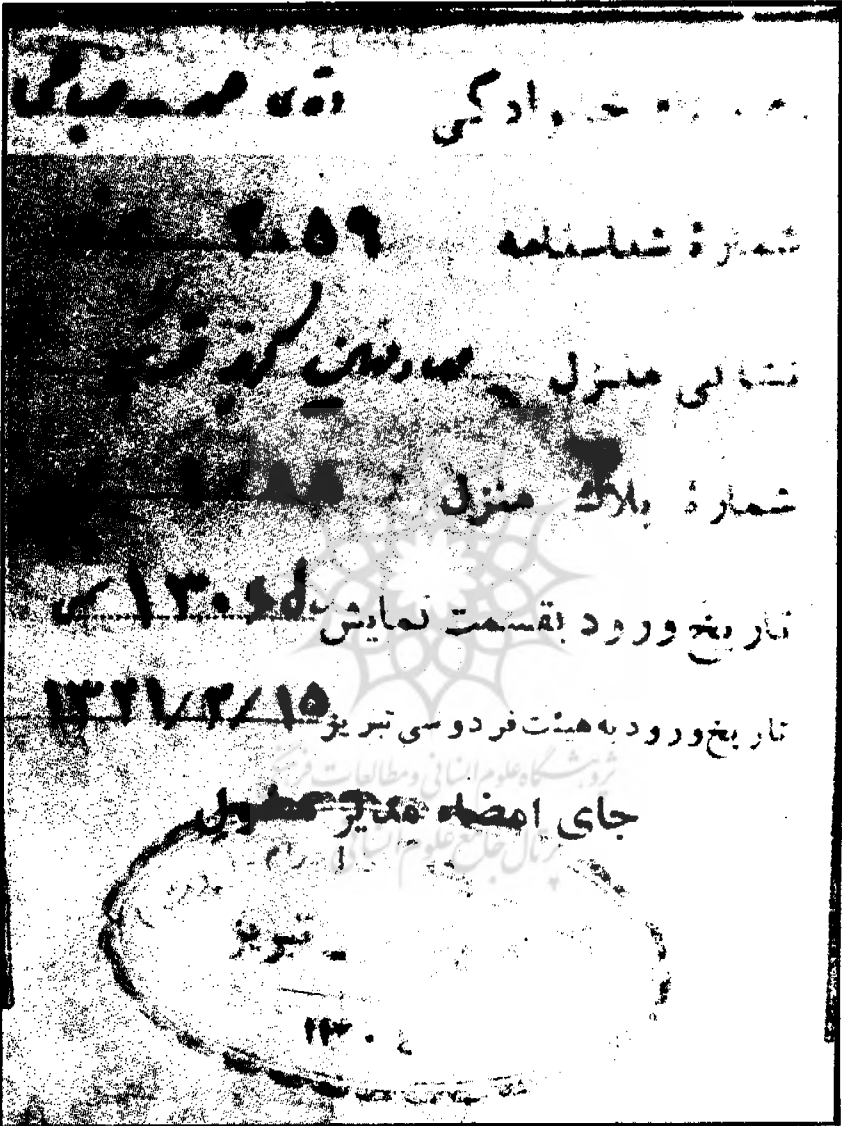
به روی صحنه می‌آید. سررژیسور این اجرا «بیوک‌خان
نخجوان» بوده، رهبر آن «بدیعی» و کارگردانی آن با صمد
صبحاحی بوده است.



«صمد صبحاحی» پس از اجرای نمایشنامه فوق در پانزدهم
اردیبهشت ماه یکم هزار و سیصد و بیست و یک به هیئت

آکتورال درام و اپرت فردوسی تبریز می‌پیوندد و فعالیت جدی و رسمی خود را آغاز می‌کند.





ملای	
کافر کافر	کافر رقبه
در ص ۲ ۵	در ص ۱ ۵

کتابخانه عمومی و مطابع فرهنگی
پرنسپل جمال‌الملک انسانی

«صباحی» بعد از مدتی فعالیت در آکتورال فردوسی، به جهت اختلافات سلیقه‌ای، آکتورالهای دیگری به نام‌های «حقیقت»، «ایران» و «تبریز» تشکیل می‌دهد و در همان آکتورالها به عنوان کارگردان و سرپرست گروه به فعالیت تئاتری مشغول می‌شود. صباحی بجز فعالیت در آکتورالهای فوق، عمده فعالیت تئاتری خود را در هیئت هنرپیشگان انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی، شعبه تبریز و خانه فرهنگ شوروی و بعدها در گروه تئاتر دولتی آذربایجان وابسته به فرقه دموکرات آذربایجان، متمرکز می‌کند.

پوستره‌های به یادگار مانده از آن دوران را به ترتیب تاریخ اجرا درج می‌کنیم:

– پوستر کمدی موزیکال آرشین مال‌آلان که به سر-رژیسوری (=سرکارگردانی) صمد صباحی و رژیسوری (=کارگردانی) بیوک خان محمدی و به معاونت عبدالله احسانی در سالن شیر و خورشید سرخ به روی صحنه آمده است. تاریخ اجرا در پوستر معلوم نیست.^۳

– پوستر کمدی موزیکال مشدی عباد، این نمایش به سررژیسوری صمد صباحی و رژیسوری بیوک خان محمدی در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ به روی صحنه آمده است. تاریخ اجرا در پوستر معلوم نیست.^۴

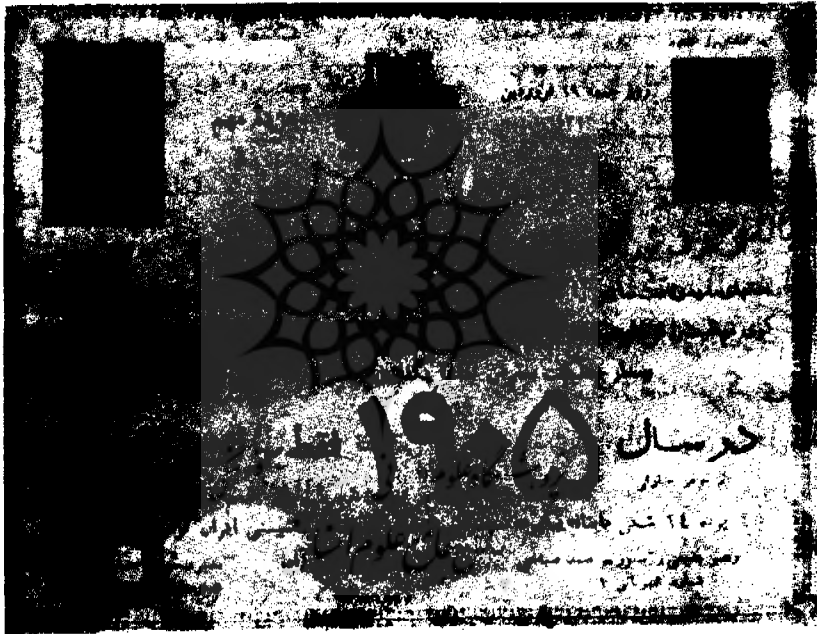
– پوستر نمایشنامه آبی – و – رابی. این نمایش به سررژیسوری صمد صباحی و رژیسوری بیوک خان محمدی و به معاونت عبدالله احسانی در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ اجرا شده است. تاریخ اجرا معلوم نیست.^۵

– پوستر کمدی موزیکال «المی یا شندا جوان» (=جوان پنجاه ساله). این اپرت توسط ذوالفقار بیگ حاجی بیگلو

— پوستر نمایشنامه قاچاق کرم. این نمایش به سررژیسوری بیوکک نخجوان و مدیریت و رژیسوری صمد صباچی، به وسیله هیئت هنرپیشگان درام و اپرت تبریز در روز جمعه پنجم فروردین ماه ۱۳۲۲ در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ به روی صحنه آمده است.



— پوستر نمایشنامه «۱۹۰۵». این اثر توسط جعفر جبارلی، نمایشنامه‌نویس معروف آذربایجان شوروی نوشته و به مدیریت و رژیسوری صمد صباحی، توسط هیئت هنر-پیشگان درام و اپرت تبریز در روز جمعه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۲۲ در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ به روی صحنه آمده است.



— پوستر نمایشنامه «جان‌چور صمد» یا «عروسی اجباری اثر مولیر». این کمپدی در روز نهم تیرماه ۱۳۲۳ به سر-رژیسوری صمد صباحی و رژیسوری محمدعلی رشدی در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ توسط آکتورال ایران به روی صحنه آمده است.

— پوستر اپرت «شادی عباد» اثر عزیز حاجی بیکوف. این

کمدی موزیکال در دهم آذرماه ۱۳۲۳ به سررژیسوری صمد صباحی و رژیسوری محمدعلی رشدی و توسط آکتورال ایران در تماشاخانه شیر و خورشید سرخ اجرا شده است.^۷

صمد صباحی بجز فعالیت در آکتورالهای فوق که به ترتیب تاریخ از آنها یاد کردیم، نمایش‌های دیگری نیز از تاریخ ۱۳۲۳ تا اواخر سال ۱۳۲۴ در آکتورال انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شعبه تبریز و خانه فرهنگ شوروی کارگردانی کرده است!

در تاریخ دوازدهم شهریورماه ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان سرنوشت آذربایجان را از نظر سیاسی به دست می‌گیرد و صمد صباحی به‌عنوان مدیر و کارگردان تئاتر دولتی همان فرقه از سوی رهبری انتخاب شده و به فعالیت تئاتری خود ادامه می‌دهد. فعالیت وی را در آکتورال دولتی فرقه دموکرات آذربایجان در ادامه این شرح حال می‌آوریم:

بعد از انحلال فرقه که توسط نیروهای دولت مرکزی در سال ۱۳۲۵ از هم پاشید، تئاتر دولتی آذربایجان نیز منحل شد و صباحی حدود سه سال به‌دلیل فضای سیاسی موجود آندوره، از فعالیت تئاتری بازماند. تا در سال ۱۳۲۸ که راهی تهران شد و در تئاتر فرهنگ که بعدها به تئاتر پارس تغییر نام داد، به‌عنوان کارگردان تئاتر به‌کار مشغول شد.

این فعالیت تا زمانی که «آتراکسیون» به تئاتر لاله‌زار راه نیافته بود ادامه داشت و در این ایام وی در کنار کار نمایش به تعلیم بازیگران جوان نیز همت گمارد. صباحی در کنار تعلیم بازیگران جوان و کار تئاتر، به سینما نیز توجه نشان داد و کار نخستین فیلم خود، «مشهدی عباد» را در سال ۱۳۳۲ به پایان آورد.^۹

دیگر کارهای سینمایی او عبارتند از: گمگشته ۱۳۳۲، چشمه عشاق ۱۳۳۷، آرشین مالان ۱۳۳۹، آلیش، دختر کولی ۱۳۴۱، سرکش ۱۳۴۳، گنج و رنج ۱۳۴۶، فردا باشکوه ۱۳۴۷ و آخرین نبرد ۱۳۵۱.

در برخی از این فیلم‌ها او خود به عنوان بازیگر حضور داشته است.

صمد صباحی در سوم تیرماه ۱۳۵۷ در تهران درگذشت و به سرای باقی شتافت.



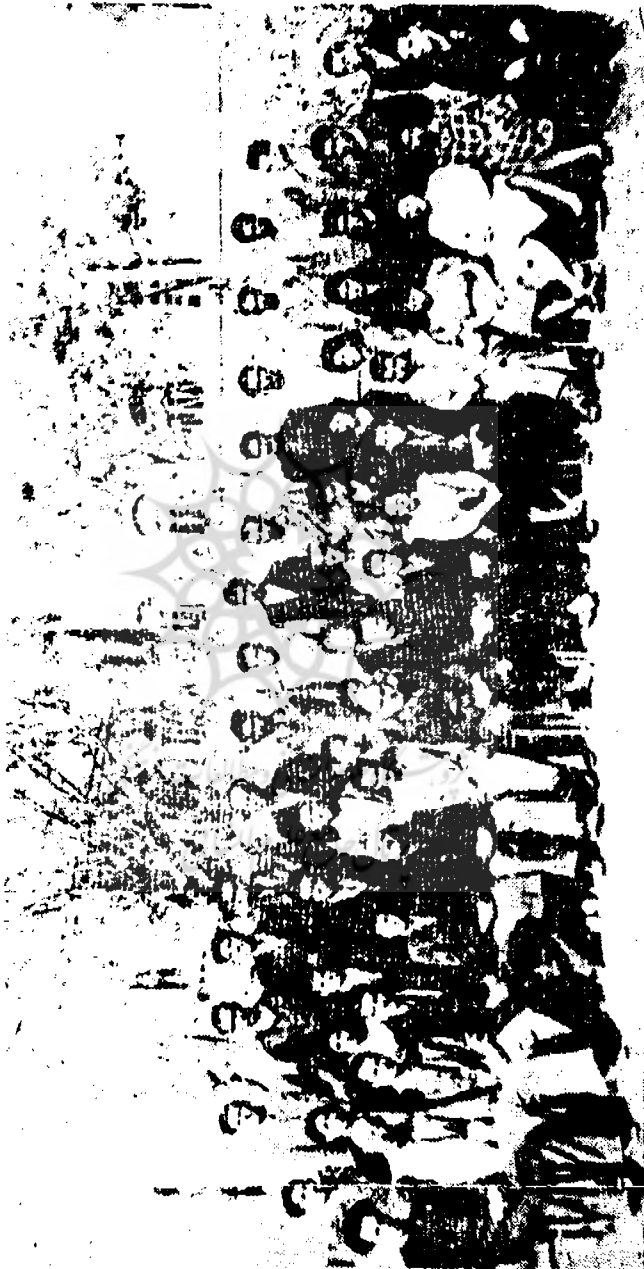
گروه تئاتر دولتی آذربایجان وابسته به فرقه دموکرات آذربایجان: ۱۰

در دوازدهم شهریور ماه ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری اداره امور آذربایجان جنوبی را به دست می‌گیرد. یک روز بعد از آن، رهبران فرقه دموکرات خطابه‌ای در دوازده ماده منتشر می‌کنند که محتوای آن عبارت بود از:

۱- اعلام خودمختاری آذربایجان، ۲- زبان مادری، زبان رسمی آذربایجان است، ۳- تشکیل انجمن محلی برای اداره امور شهر، ۴- اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی... در ابتدا خواست‌های فرقه دموکرات آذربایجان توجه برخی محافل و بعضی از طبقات و اقشار را به خود جلب کرد، اما عده دیگری نیز با آن از در مخالفت برآمدند. بعد از استقرار فرقه، رهبران آن مرامنامه‌ای تدوین و منتشر کردند که این مرامنامه پس از تصویب، در روزنامه «آذربایجان» ارگان رسمی فرقه دموکرات به چاپ رسید. در مرامنامه توجه خاصی به پیشرفت ادبیات و هنر شده است و در ماده ۳۸ آن به شرح زیر آمده است:

«ادبیات و صنایع ظریفه که غذای روحی و معنوی مردم ماست، برای پیشرفت و ترقی آن باید شرایطی مناسب بوجود آید. برای این مقصود در تبریز باید نویسندگان و هنرمندان آذربایجان در جمعیتی متشکل شوند. این جمعیت باید در شهرها و روستاهای آن شعبه داشته باشند.» و در ماده ۳۹ مرامنامه آمده است:

«دولت برای کمک به نویسندگان و هنرمندان آذربایجان که در خلق آثار خود زحمت‌ها می‌کشند بودجه کافی در برنامه



کمیته دولت نجات تبریز

خود در نظر گرفته، که بعنوان حقوق و پاداش به آنها پرداخت می‌شود.»

و یا در ماده ۴۲ مرامنامه چنین آمده است:

«به منظور مقام والای اجتماعی تئاتر در تبریز و شهرهای آذربایجان، مخارج تئاترها از طرف دولت تأمین خواهد شد»

فرقه دموکرات آذربایجان بعد از استقرار سیاسی، در زمینه‌های مختلف، فعالیت خود را آغاز می‌کند. تئاتر نیز یکی از مهمترین زمینه‌های فعالیت فرقه محسوب می‌شود و فرقه از هنرمندان تئاتر تبریز دعوت به عمل آورده و آنها را گرد یک گروه، با نام «گروه تئاتر دولتی آذربایجان» متشکل می‌کند. رهبر و کارگردان این گروه تئاتری «صمد صباحی» بوده است. تئاتر در زمان دموکراتها فقط یکسال توانست «دولتی» شود و از بودجه دولت به زندگی خود ادامه دهد، لیکن چه قبل و چه بعد از انحلال فرقه، تئاتر از نظر مالی از سوی دولتها و دولتمردان حمایت نشد، چرا که تئاتر در دوران قبل از تشکیل فرقه و در سالهای بعد از انحلال آن، خودکفا بوده و مخارج آن از محل فروش بلیط تأمین می‌شد. حتی در بعضی از اسناد به یادگار مانده از آن دوران، به زیانها و کمبودهای مالی برخی از نمایشها برمی‌خوریم که جبران آنرا هنرمندان با تأمین لباس و دکور می‌کرده‌اند.

از اقدامات دیگر این گروه بازسازی مجدد «سالن شیر و خورشید سرخ» است. این سالن در سال ۱۳۰۶ شمسی در دوران حکومت رضاشاه افتتاح شد، اما بعد از استقرار فرقه دموکرات آذربایجان تعمیرات اساسی در آن انجام گرفت. تعمیراتی که فرقه دموکرات در این سالن نمایش انجام داد عبارت بود از: ایجاد محل ارکستر در جلوی صحنه، که همزمان

با اجرای اپراها و اپرت‌ها، ارکستر در آن محل مستقر شده و موسیقی نمایش را می‌نواخت. همچنین بعضی قسمتهای سالن که به صورت مستطیل بوده و از نظر آکوستیک مشکلاتی داشته را به صورت نیم‌دایره درآورده و رنگ‌آمیزی کردند. در این زمان پرده و چلچراغها نیز تعویض شد. هنگامی که سالن تعمیر می‌شد، هنرمندان نیز بیکار ننشسته و زیر نظر انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شعبه تبریز، در سالن خانه فرهنگ شوروی مستقر در باغ گلستان تبریز و همچنین در تئاتر «آرامیان» به فعالیت ادامه دادند.

سالن شیر و خورشید مجدداً در هشتم فروردین ماه ۱۳۲۵ از سوی رهبری فرقهٔ دموکرات افتتاح شد. «صمد صباحی» مدیر، کارگردان و بازیگر تئاتر دولتی آذربایجان گزارشی دربارهٔ افتتاح مجدد این سالن در روزنامه آذربایجان دارد که قسمت‌هایی از آن را می‌آوریم:

«... به سال ۱۳۲۵ شمسی، هشتم فروردین، ساعت پنج، صدها نفر با قیافهٔ شاد و خندان در خیابان ستارخان در درب ورودی تئاتر دولتی آذربایجان، که با چراغها و قالیچه‌ها مزین شده در انتظار رفتن به سالن تئاتر هستند. اتومبیل‌های رهبران دولت ملی پشت سر هم پارک شده‌اند. امروز نسبت به روزهای عادی، تئاتر، شاهد شور و هیجان بیشتر است. ابریشم سرخی که پرده بزرگ صحنه را به هم وصل کرده نظر همه را جلب می‌کند. زنگک نواخته می‌شود، چراغها خاموش می‌شوند. سکوت سنگینی سالن را دربر می‌گیرد. دیدن رهبر فرقه آقای سید جعفر پیشه‌وری و رئیس مجلس آقای شبستری و آقای باقرزاده مدیر «خانهٔ فرهنگ شوروی» و سایر رؤسای دولت ملی با استقبال گرم حاضرین روبرو می‌شود. نخست-



سالن تئاتر شیر و خورشید سرخ سابق تبریز

وزیر آقای پیشه‌وری با قیچی کوچک نوار طلائی رنگ را می‌برد. پرده آهسته آهسته باز می‌شود و هنرپیشگان تئاتر با رهبری آهنگساز بزرگ جهانگیر جهانگیراوف^{۱۱} و با همکاری دستهٔ موزیک آذربایجان و مشایعت ارکستر، «سرود آزادی» را می‌خوانند. وزیر فرهنگ آقای «بیریا» در نطق خود از دولت فاسد گذشته که در حق مردم آذربایجان و فرهنگ ملی و هنر و ادبیات آن ظلم کرده، به‌طور مفصل سخنرانی کرد. سپس مدیر خانه فرهنگ شوروی آقای باقرزاده در مورد کمکهای شایان توجه «انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی» در عرض یکسال گذشته و کارکنان شعبه تبریز که در خلق آثار هنری و تئاتر و شکوفائی هنر زحمت کشیده‌اند سخن گفت و قدردانی کرد.^{۱۲}

«صمد صباحی» در بارهٔ موقعیت و وضعیت گروه «تئاتر دولتی آذربایجان، مطالبی در روزنامه آذربایجان به رشتهٔ تحریر درآورده است که برای اطلاع نقل می‌شود:

«پس از سه‌ماه انتظار تماشاچیان «تئاتر دولتی آذربایجان» با نمایشنامه «آنمین کتابی = کتاب مادرم» اثر نویسندهٔ دموکرات آذربایجان جلیل محمدقلی‌زاده در چهار پرده افتتاح می‌شود. همانطور که دولت ملی از هر جهت شکوفائی هنر تئاتر را با ایجاد شرایط بهتر در نظر گرفته، با تعیین اعتبار پنجاه‌هزار تومانی به‌مناسبت تعمیر سالن شیر و خورشید، راحتی تماشاگران را نیز در نظر گرفته است. اکنون هر تماشاگر که وارد ساختمان تئاتر می‌شود خود را در یک محیط اجتماعی حس می‌کند. هنرپیشگانی که در گذشته با شرایط سخت زندگی می‌کردند و تلاش می‌کردند تا با فروش بلیط نمایشنامه‌ها، هم زندگی و هم تئاتر را بگردانند، اکنون از

سوی دولت ملی با حقوق کافی تأمین می‌شوند. به همین جهت، هنرپیشگان برای آمادگی نمایشنامه‌ها با کیفیت بهتر تلاش می‌کنند. در گذشته به علت کمبود امکانات، آثار باارزشی چون نمایشنامه «کتاب‌مادرم» به اجرا در نمی‌آمد. نمایشنامه‌ها با دکورهای کهنه و لباسهای پاره در مدت یک‌هفته آماده اجرا می‌شدند^{۱۳}. هرچند که اغلب نمایشنامه‌ها از نظر محتوا پربار بودند، ولی به علت عدم امکانات صحنه‌ای از کیفیت اجرایی آنها کاسته می‌شد. دولت ملی با در نظر گرفتن علاقه شدید تماشاگران که از نظر اجتماعی و هنری رشد یافته هستند، ضروری دانست که شرایط تئاتر ملی را به سرعت بهبود بخشد. با تشکیل تئاتر دولتی آذربایجان هر نمایشنامه یک‌ماه و نیم تمرین می‌شود. برای هر نمایشنامه دو هزار و پانصد تومان بسودجه اختصاص یافته است این بودجه صرف تهیه لباس و دکور می‌شود. هنرپیشگان انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شعبه تبریز بعد از تأسیس تئاتر دولتی آذربایجان همگی در این گروه فعالیت می‌کنند. از جمله خانمها: لیلیا محسن‌پور، سارا، نیکپور، سارا افخم، صفوره، سابرانی، عالییه جفورانی، فاطمه زرگری، عالییه راوند، نینا ایوانوا، نیکخو و آقایان، جواد شفیع‌زاده، محمدعلی رشدی، ایرج صالحی، احمدزاده، بیوک خان‌محمدی، محمدعلی ولی‌زاده، علی‌اصغر رضوان، اسماعیل مزدوری، حبیب قلی-زاده، قاسم شمرباف، پرویز پرویزی، حضی حسن‌زاده، حمید ضرابی، غلامرضا جمشیدی، و محمد ریسمانی. و اولین رپرتوار سالانه تئاتر دولتی عبارت است از: نمایشنامه آنامین کتابی، نوشته محمدجلیل قلی‌زاده، سویل و اقتای ایل اوغلی هردو نوشته جعفر جبارلی، آرشین مال‌آلان، مشهدی عباد،

نوشته عزیز حاجی بیگوف، جان جور صمد نوشته مولیر، دو برادر نوشته لرمونتوف، نادری نوشته الکساندر شیر و انزاده». گروه تئاتر دولتی آذربایجان وابسته به وزارت معارف و اوقاف فرقه دموکرات آذربایجان، بعد از افتتاح مجدد سالن شیر و خورشید، برنامه سالانه خود را ضمن اینکه در روزنامه آذربایجان به اطلاع خوانندگان رساند، طی پوستری نیز به دوستان آن تئاتر اطلاع می‌دهد:

آذربایجان ملی حکومتین معارف اوقاف وزارتین

«آذربایجان دولت تارومین»

۱۹۱۸ سول قورقون

ولایتیلاقی اترلر

اقتربا و اقبور هین

انگلیس حکایتی	عزیز بیگوف	عزیز بیگوف
سه وسیل	مولیر	مولیر
لجانی نال لیل	نادری	نادری
سامسوس	شیر و انزاده	شیر و انزاده
عشق و انتقام	لرمونتوف	لرمونتوف
زین ملالان	آذربایجان	آذربایجان
مشهدی عیادت	آذربایجان	آذربایجان
ایکی قارداش	آذربایجان	آذربایجان
تقریباتلار	آذربایجان	آذربایجان
طایر کله کی	آذربایجان	آذربایجان
جان جور صمد	آذربایجان	آذربایجان

روزجه بیله یانی
کولچه وکی حکمت
آشتموز سورا، سو اقلدیج ایلده
حکومت روس سورا، سو اقلدیج
تاتار ملطوقی - ارباب

صمد صباحی مدیر تئاتر دولتی آذربایجان، بجز برنامه‌های فوق‌کسه در صحنه شیر و خورشید سرخ تبریز اجرا می‌شوند، طی مقاله‌ای برنامه مسافرت گروه را به شهرهای مختلف آذربایجان در روزنامه آذربایجان به شرح زیر اعلام می‌کند:

«مسافرت تئاتر دولتی آذربایجان به شهرهای آذربایجان»
 «پیروزی تاریخی نهضت مردم قهرمان آذربایجان، همان گونه که عامل تحولاتی بزرگ در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گردیده، در زمینه صنایع مستظرفه (هنرهای زیبا) نیز موفقیت‌های مهمی برای ما به ارمغان آورده است. یکی از دستاوردهای فرهنگی در این ساحه، تشکل تئاتر دولتی است.

تئاتر دولتی آذربایجان توانسته در طول شش ماه فعالیت اعتماد و محبت مردم را نسبت به خود جلب و کسب نماید. دستاوردهای درخشان تئاترمان در ساحه هنرآفرینی، محدود به داخل آذربایجان نمی‌شود. در حیات فرهنگی، اجتماعی سرزمینهای شرق نزدیک نیز موفقیتی مهم به‌شمار می‌آید. برای اثبات موفقیت‌های تئاترمان، علاقه و اشتیاق روزافزون مردم ما به تئاتر ملی‌مان دلیل بارز و واثقی است. هنری که متکی به مردم نباشد، پیشرفتی ندارد. هر هنری با اتکاء به مردم و تغذیه معنوی از آن، می‌تواند در خدمت به همان مردم مؤثر و موفق باشد. وظیفه تاریخی تئاترمان، جز این نیست، تئاتر ما وظایف تاریخی محوله خود را با شرافت تام پیش برده، در راه آزادی دموکراتیک مردم و پرورش روح محبت نقش بزرگی را ایفا کرده است. یکی از موفقیت‌های اساسی تئاترمان، نمایش و تجسم مسائل حیاتی فرقه دمکرات

آذربایجان و امور مهم روزمره به شکلی نوین برای تماشاچیان است. به همین دلیل، علاقه و اشتیاق مردم به تئاتر ملی‌مان را برانگیخته و انسجام بخشیده است و این اشتیاق زائیده نیاز مردم به تئاتر است. برای تأمین خیل عظیم تماشاگران با برنامه‌های هنری بدیع، به برگزاری نمایشات تنها در شهر تبریز نمی‌توانستیم اکتفا کنیم. به همین خاطر، برنامه مسافرت تئاتر را نیاز مبرمی دانسته و هدف از این مهم را، آشنا ساختن مردم با موفقیت‌هایی که تئاترمان در عرض شش ماه در ساحهٔ آفرینندگی به‌دست آورده است، دانستیم.

این سفر از پنجم مهرماه آغاز خواهد شد و تا بیستم آبان ماه ادامه خواهد یافت در طول این یک ماه و نیم، برگزاری هفتاد نمایش و کنسرت منظور خواهد بود. این گروه هنری، مرکب از چهل نفر هنرمند زن و مرد و نوازنده و خواننده است. از جمله، آقای جواد شفیع‌زاده، خانم لیلا محسن‌پور، علی‌اصغر رضوان، خانم سارا حیدرزاده، احمدزاده، سارا افخم، محمدعلی ولی‌زاده، خانم آرشالویسن آیریان، بیوکت خان‌محمدی، خانم قمر نیکپور، خانم صفوره، اسماعیل‌مزدوری و دیگر هنرمندان زبردست در این مسافرت شرکت دارند. خط سیر گروه تئاتر، شهرها و قصبات تابعهٔ سراب، اردبیل، نیر، آستارا، زنجان، میانه، اهر، آذرشهر، مراغه، میاندوآب، رضائیه، سلماس، خوی، ماکو و مرند است.^{۱۴}

در شهرهای فوق‌درام «کتاب مادرم» اثر نویسندهٔ بزرگ جلیل محمدقلی‌زاده (ملا نصرالدین)، تراژدی «ناموس» نوشته شیروان‌زاده، کمدی موزیکال «آرشین‌مال‌آلان» اثر آهنگساز بزرگ عزیز حاجی‌بیگوف، درام «سویل» اثر جعفر جبارلی، و کنسرت‌های بزرگ، به معرض تماشا گذارده خواهد شد

جای هیچگونه تردید نیست. که در این مسافرت، به برکت آثار بدیع نمایشی و آفرینش هنرمندان مان، هیئت تئاتر ما به توفیق حصول عشق و محبت مردمان نائل خواهد آمد.^{۱۵}

«مدیر و رهبر نوین تئاتر دولت آذربایجان - صمد صباحی»

بعد از اجرای نمایش‌های فوق توسط گروه تئاتر دولتی آذربایجان، صمد صباحی بازتاب آن را در شهرها چنین بیان می‌کند:

«مسافرت تئاتر دولتی آذربایجان به شهرهای آذربایجان»
«خاطرات فرمواش نشدنی!»

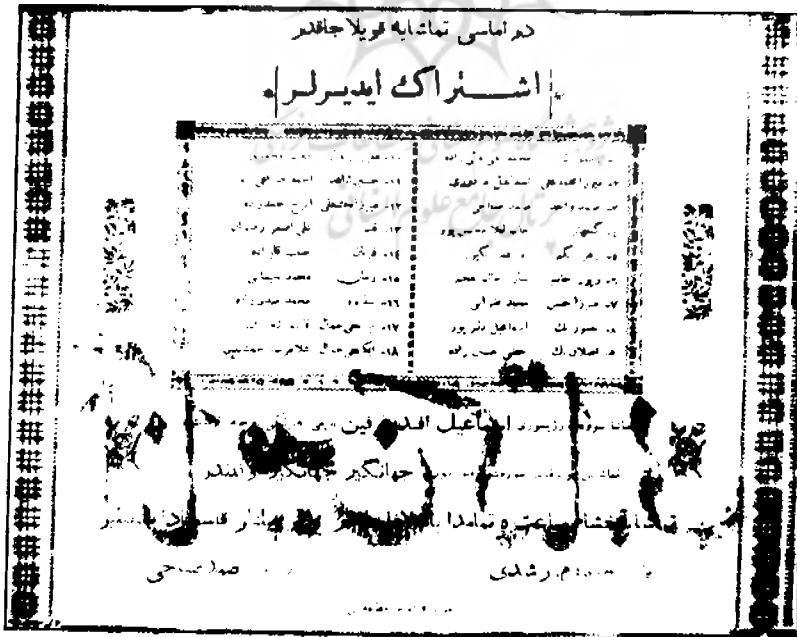
«تئاتر دولتی آذربایجان به قصد آشنا ساختن مردم با موفقیت‌های گسترده‌ای که به دست آورده است، برنامه‌ای به مدت یک ماه و نیم برای سفر به شهرهای مختلف آذربایجان ترتیب داده بود. انجام موفقیت‌آمیز این وظیفه تاریخی امری بس جدی و مسئولیت‌آمیز در برابر مدیریت و هیئت جدید تئاتر محسوب می‌شد. ما از پنجم مهرماه سفر خود را آغاز کردیم. با وجود کمی وقت اولین کنسرت ما در شهر سراب با موفقیتی بزرگت به نمایش درآمد. در دو فرسخی اردبیل، در سایه‌ا اهتمام فرقه، تمامی اعضا و همکاران که خبر مسافرت تئاتر دولتی آذربایجان را شنیده بودند، هیئت هنرآفرین تئاتر دولتی را با شور و شوق زایدالوصفی مورد استقبال قرار دادند. با مشایعت حدود پانصد نفر از اقشار مختلف، ورود تئاتر دولتی به اردبیل، صورت حماسه‌ باشکوه ملی به خود گرفت، این علاقه و محبت جوشان اهالی اردبیل به تئاتر دولتی آذربایجان، از علائق پاکک و بی‌شائبه مردم قهرمان و فرهنگ پرورمان به صنایع ظریفه و خادمین و هنرمندان آن در زادبوم

خودشان، نشأت می‌یابد، در سفرمان به اردبیل، علاقه و محبت بزرگوارانه اهالی آن، عامل مؤثری بود در جهت تکامل و تعالی معنوی هنرمندان تئاتر. در ششم مهر ماه از طرف تئاترمان کنسرتی بزرگ برگزار شد که موفقیت حاصله، بسیار رضایتبخش و خوشحال‌کننده بود اجرای درامهای «کتاب مادرم»، «آرشین مال‌آلان» و «ناموس» در اردبیل، با بازی خوب هنرمندان، تأثیری عمیق در تماشاچیان بخشید، مخصوصاً درام «کتاب مادرم» که در آن از طرف هنرمندان، ابعاد و اشکال مختلف صور انسان به نمایش درمی‌آمد، از سوی تماشاچیان بس ارج نهاده شد. همراه با خاطرات خوش و فراموش نشدنی اردبیل، در نهم مهرماه به سوی آستارا حرکت کردم. زیبائیهای طبیعی کوهها آستارا که پوشیده از درختان سرسبز هستند، برای هر بیننده‌ای نشاط‌انگیز و روح‌فزا است. اتومبیل‌هایمان به آستارا نزدیک می‌شوند، در دامنه‌های جنگل، با اتومبیل‌هایی که به استقبال ما آمده‌اند، مواجه می‌گردیم. اهالی آستارا در معیت ارکستر، دسته‌های گل را به هنرمندان تقدیم می‌کنند و به قصد آشنا شدن با آنان، مشتاقانه شور و شوق نشان می‌دهند. شهر آستارا را اشتیاقی بزرگ فراگرفته است. حرفه‌ای نظیر: «تئاتر دولتی آمده است». «نمایشهای زیبائی نمایش خواهند داد» سرزبانها می‌گردد. اولین کنسرت‌مان با شادی و هیجان سوزان تماشاچیان مواجه می‌شود. اهالی فرهنگ دوست آستارا، با مشاهده موفقیت‌های درخشان تئاتر دولتی که در سایه‌ی اهتمام فرقه دموکرات آذربایجان و کمک‌های معنوی خانه فرهنگ شوروی در تبریز به دست آمده است، با احساسات افتخارآمیز ملی، هنرمندانمان را تشویق می‌کنند.

در جریان نمایشها و کنسرت‌هایی که در مدت چهار روز در آستارا برگزار شد، مهمان‌نوازی جانانه و محبت‌آهالی آن در حق ما، نمایانگر علائق و محبت‌های بی‌پایان مردم نسبت به فرهنگ تئاتر ملی و هنرمندان آفرینشگر آن است. هنرمندان ما با ترک اردبیل و آستارا، تحت تأثیر خاطرات فراموش‌نشده‌ی همواره با احساسات افتخارآمیز از این مسافرت تاریخی یاد خواهند کرد.^{۱۶}

مدیر و رهبر نوین تئاتر دولت آذربایجان - صمد صباحی

از سری نمایشنامه‌هایی که در برنامه سالانه گروه تئاتر دولتی آذربایجان اعلام شده بود، نمایشنامه «کتاب مادرم» از جلیل محمدقلی‌زاده است که مجدداً در پانزده فروردین ماه ۱۳۲۵ در سالن شیر و خورشید سرخ اجرا می‌شود.



دومین اجرا از سری نمایش‌های اعلام شده، نمایشنامه «ناموس» اثر الکساندر شیروانزاده است که در یازده اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ در سالن شیر و خورشید سرخ با کارگردانی صمد صباحی به صحنه آمده است.^{۱۷}

جمهوری موقر و نامور آذربایجان

مجلس سوسیالیست حکومتی

جمهوری موقر و نامور آذربایجان

سوفو رزسورز اسماعیل اندیموه

تلفنی دفتر لیکتینه

بف قورولوشدا

شیر و خورشید

ناموس

«بیر گنجل دهجه» و «مطالعات ترکی»

اشتراک ایملر:

۱. ...	۲. ...	۳. ...	۴. ...	۵. ...
۶. ...	۷. ...	۸. ...	۹. ...	۱۰. ...
۱۱. ...	۱۲. ...	۱۳. ...	۱۴. ...	۱۵. ...
۱۶. ...	۱۷. ...	۱۸. ...	۱۹. ...	۲۰. ...
۲۱. ...	۲۲. ...	۲۳. ...	۲۴. ...	۲۵. ...
۲۶. ...	۲۷. ...	۲۸. ...	۲۹. ...	۳۰. ...
۳۱. ...	۳۲. ...	۳۳. ...	۳۴. ...	۳۵. ...
۳۶. ...	۳۷. ...	۳۸. ...	۳۹. ...	۴۰. ...

طیتر هرگون ماری کساننده سقوله

شیر و خورشید و رتبه لدر

تیشا ماسه

شیر و خورشید

شیر و خورشید

شیر و خورشید



صحنه‌ای از نمایشنامه «ناموس»



صحنه‌ای از نمایشنامه «ناموس»

سومین اجرا در سال ۱۳۲۵، اجرای نمایشنامه «دومانی تبریز = تبریز مه آلود» است که توسط کمیته جوانان شهر تبریز در سالن شیر و خورشید سرخ به صحنه آمده است. رضا آذری درباره این اجرا در روزنامه آذربایجان، مطلبی به شرح زیر دارد^{۱۸}:

«در شبهای پنجم و ششم، در سالن تئاتر دولتی آذربایجان گروه تئاتری وابسته به کمیته شهر تبریز نمایشنامه «دومانی تبریز» اثر نویسنده مشهور آذربایجان، محمدسعید اردوبادی را به معرض نمایش گذاشت و مورد توجه و تقدیر قرار گرفت... موضوع خیلی خوب انتخاب شده بود. به سال ۱۳۲۶ در تبریز علیه نیروهای دولت مستبد مبارزات خونینی به رهبری ستارخان و باقرخان درمی‌گیرند و تبریز «مه آلود» در حفظ قانون اساسی مشروطه کوشش می‌کند...»

به خاطر قدردانی از زحمات هنرپیشگان بی‌مناسبت نیست که نام آنان را در اینجا بیاوریم: خانم‌ها زینب در نقش زینب، صوره در نقش دلربا، نینا در نقش بری، و آقایان میر حسن ماکوئی در نقش ستارخان، کریم حاجی‌زاده در نقش باقرخان، بیوک آریائی در نقش قدرت و علی حسن حسین‌زاده در نقش اسد.

گروه تئاتر دولتی آذربایجان بعد از اجرای نمایشنامه «آنامین کتابی» (نمایشنامه مادرم) نمایشنامه دیگری را تمرین کرد تا آن را طبق اعلام برنامه سالانه به روی صحنه بیاورد. صمد صباحی درباره آماده کردن این نمایشنامه، یعنی «سویل» اثر جعفر جبارلی مطالبی به شرح زیر در روزنامه آذربایجان دارد^{۱۹}:

«آمادگی جهت درام سویل»

هیئت بدیع تئاتر دولتی آذربایجان، درام سویل اثر جعفر جبارلی که در میان اقشار مختلف شهرت فراوانی کسب نموده، برای تماشاگران تهیه و آماده اجرا می‌کند.

در پنج سال گذشته، سویل هسربار که در تبریز سه روی صحنه می‌آید، خواه از طرف مطبوعات و خواه نظرات شخصی، گرچه مورد پسند واقع می‌شد، اما آنطور که شایسته این درام است بازی نمی‌شد و روی صحنه نمی‌آمد.

درام سویل چه از نظر مضمون، فکر و شکل، از آثار پر- ارزش جبارلی است و در ادبیات آذربایجان شوروی و در مضمون آزادی‌زنان جای والائی دارد. در درام سویل، جبارلی با قلم برنده و واقع‌گرای خود، اخلاق جمعیت‌های پوسیده بورژوازی را افشاء کرده است. درام سویل در پشت پرده‌های مدنیت‌پرور، آنها را که پنهان شده‌اند و انسانهای محافظه‌کار و بی‌اراده هستند، و تمایلات مسخره در مورد آزادی زنان دارند را مورد نقد قرار داده است.

او آزادی زن را مطرح می‌کند و اینکه آزادی قطعی زنان تنها کنار گذاشتن چادر نیست و اینکه در اروپا زنان چادر ندارند، لکن آزاد هم نیستند، و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی و امثال آن لازم است. جعفر جبارلی مانند سایر حکایتها و درام‌هایش، در این نیز به شدت با اختلاف طبقاتی برخورد می‌کند، بدین جهت سعی کرده‌ایم در هنگام تمرین در مورد این برخوردها و علت‌هایش با هنرپیشگان صحبت و روشنگری کنیم. این اصل در آفرینش نقش‌های هنرپیشگان بسیار مؤثر افتاده است. اجرای این نمایش، امتحانی خواهد بود برای تئاتر ما.^{۲۰}

چهارمین اجرا در سال ۱۳۲۵، اجرای اپرت آرشین ما آلان

است که در تاریخ بیست و چهارم شهریور، در سالن شیر و خورشید سرخ با کارگردانی و رهبری صمد صباحی به روی صحنه آمد.

صمد صباحی در ادامه فعالیت گروه تئاتر دولتی آذربایجان، هر چند وقت یکبار مطالبی در ارتباط با تئاتر و مفهوم آن،

شهریور آیدین ۱۳۲۱

جمعه گونی



ادارتعلیم معارف و اوقاف ادارسی
آذربایجان دولت تیاتری
 «دولت تیاتری بناسیندا»
 دولتی تیاتری بوردو، قورقورولونون بوردو

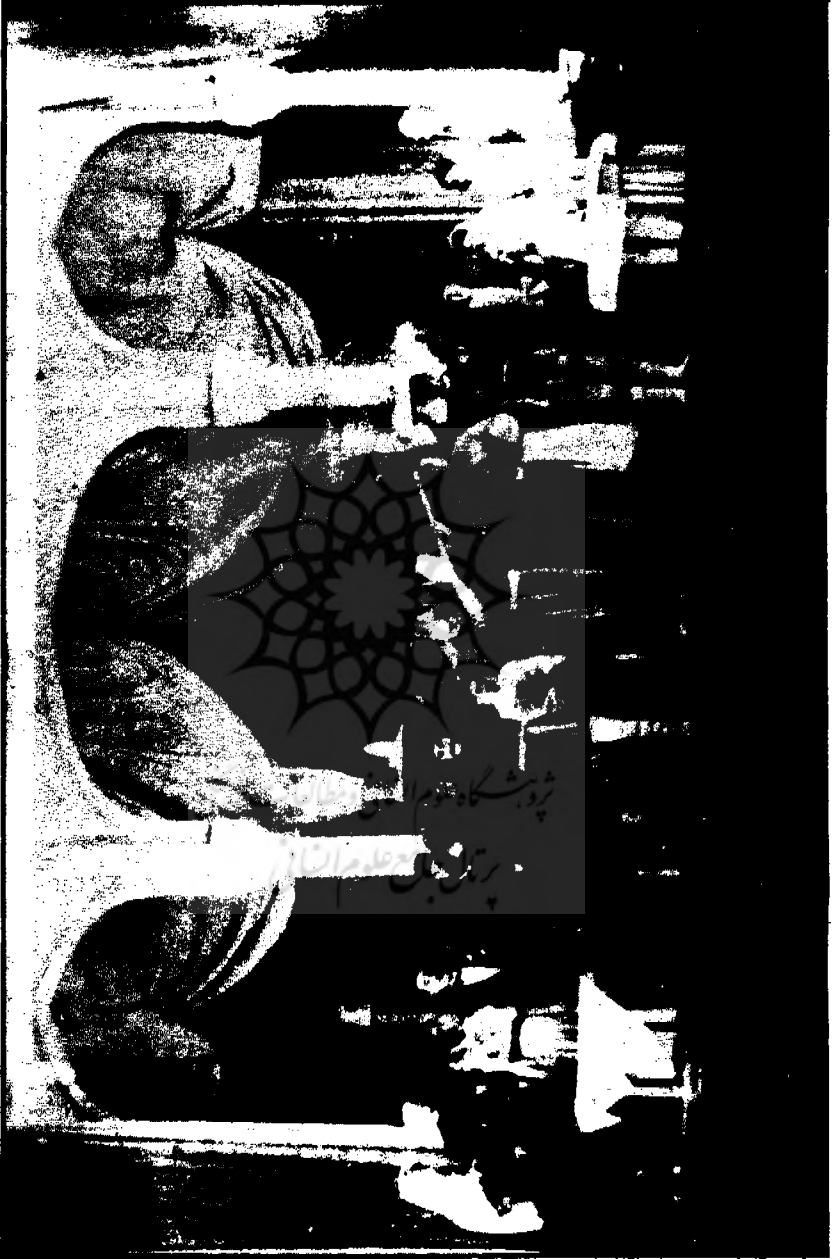
توشین مال آلان

موسیقی نومه لاسیسی بونوک قوشمه نه تیشمه توپولا جملدر .
 (باش روللاردا اشتراک ایدنلر)

عسکر . غنی اشعار اشتراک
سلطان سیک محمد علی و شتر آده
سینور . قسیم شعر بوی
دلی . بونوک محمدی

گنجهره . لالا خاتم محمدس پور
جهان حلال . سارا خاتم محمد
اشتر . آرشادوس
شی . سارا خاتم جهاندان

تئاتر بوردو قورقورولونون بوردو
 باشلیق . سهراب خاتم جهاندان
 اشتر . آرشادوس
 سارا خاتم جهاندان
 سهراب خاتم جهاندان
 سهراب خاتم جهاندان
 سهراب خاتم جهاندان
 سهراب خاتم جهاندان



صحنه‌ای از اجرای کمدی موزیکال آرشین مال‌آلان



محمد صباحی

و کار گروه نمایشی اش در روزنامه آذربایجان به چاپ می‌رسد که یکی دیگر از آن مقالات را برای روشن شدن دیدگاه وی در اینجا می‌آوریم:

«هنرمندان برجسته تئاتر تبریز»

«وظایفی را که آرزو کرده و وعده‌شان را داده‌ایم، نه تنها در حرف، که در عمل نیز باید با خواستها و ضرورت‌های زندگی منطبق سازیم. برای این مهم، قبل از هر چیز موظفیم اساس وظایف خود را بر مبنای خواست‌های مردم پی‌ریزی کنیم. زیرا که «هنر برای هنر نیست. هنر برای مردم است». امروز نیز وظیفه مقدس تاریخی در ارتباط با تئاتر جوان ما، جز این نیست. من با نوشتن این مقاله، قصد بزرگ نمایانیدن یکایک هنرمندان فداکارمان را ندارم. برعکس، مبنای خواست و آرزویم این است که مسئولیتها و وظایف هنرمندان را در ارتباط با آینده، یادآوری کنم. لازم است اعتراف کنیم که آنچه موجب اشتهار و احترام هنرمندان ما شده است، توفیق در امور عمومی است. برای کسب موفقیت در امور عمومی از جانب فرقه، و به‌ویژه از سوی خانه فرهنگ شوروی در تبریز، مساعدتها و کمکهای همه‌جانبه‌ای دریافت داشته‌ایم. به همین دلیل، هیئت هنرآفرین تئاتر ما، نباید از بابت موفقیت‌های حاصله دچار غرور گردند. برعکس، هنرمندان جوان ما که در ساحه ابداع و نو آوری هنری، دارای امکاناتی هستند، هر یک به نوبه خود موظفند تمام سعی و هم خویش را در جهت منافع و توفیق کامل امور عمومی مصروف دارند. لازمه موفقیت امیدوارکننده هر هنرمندی قدردانی و ارج نهادن به کار اوست. با این حال، در برابر این قدردانی و ارج نهادن، دچار تکبر شدن برای هر هنرمندی، نشانگر

بی‌لیاقتی بزرگی است. امروزه ما به وضوح می‌بینیم و درک می‌کنیم که مردم امید بزرگی به تئاتر ملی بسته‌اند. مردم ما به تئاتر، نه چون مجلسی عادی، بلکه به عنوان رکن اساسی و کانون فرهنگی - تربیتی نگاه می‌کنند. امروزه برای تأمین خواست‌های مردم، فداکاری و همت بلند هیئت آفرینشگر تئاتر ما، به تنهایی کافی نیست. صحنه ما و تماشاگران ما، همزمان، انتظار دارند آثار مهمی به معرض نمایش گذارده شود. شاید هم راه دشوار صحنه ما در تأمین این احتیاج، برای بعضی مفهوم نباشد، لیکن این حقیقتی است غیر قابل انکار. تئاتر ما تاکنون موفق شده است آثاری شامل «کتاب مادرم»، «آرشین مال‌آلان»، «سویل» و آثار مهم و ارزشمندی را به صحنه بیاورد. این مهم، برای تئاتر ما موفقیتی قابل تقدیر است. علاوه بر این، آنچه در مدت دو سال اخیر موجب اشتها و محبوبیت تئاتر تبریز گشته است، اجرای نمایشنامه‌هایی از برگزیده‌های ادبیات کلاسیک آذربایجان شوروی است. هیئت آفرینشگر تئاتر ما، همواره خود را نیازمند آثار پر قدرت هنری دانسته، و برای رفع این نیاز، آثار برجسته ادبیات شوروی را به صحنه آورده است. اجرای نمایشنامه‌هایی نظیر سویل، کتاب مادرم، آرشین مال‌آلان، عشق و انتقام، و سایر آثار برجسته، سبب تحول بزرگی در آفرینش‌های هنرمندان ما شده است، زیرا در این آثار، صور مختلف انسانی، با هنرمندی تمام تصویر شده است. چنین آثاری علاوه بر اینکه سرچشمه الهام هنرمندان است، برای نویسندگان جوان ما نیز می‌تواند منبع الهام باشد. چرا که ما نویسندگان جوان و با استعدادی داریم که آرزوی جز ابتکار در نوشتن ندارند.

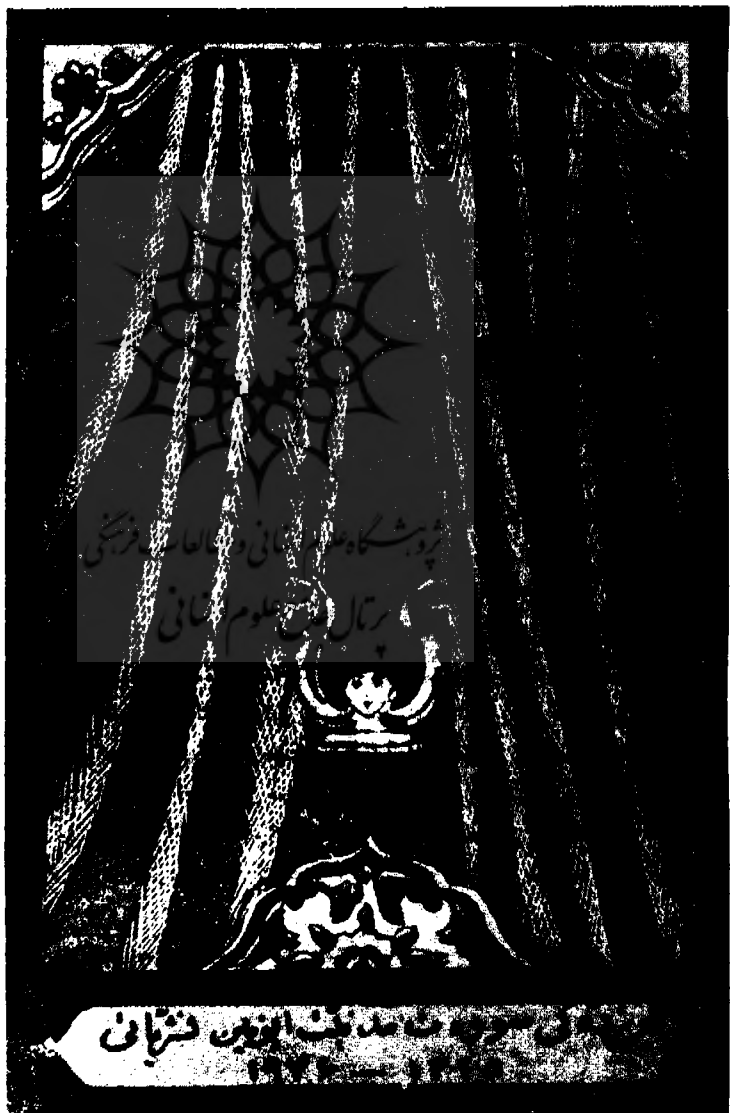
ما به برخی از نویسندگان که در خلق آثار دراماتیک

قلمفرسائی می‌کنند امید زیادی داریم. اگر تشویق کافی به عمل آید، از هر صد نویسنده، یک آفرینشگر واقعی به‌عرصه هنر و ادب قدم خواهد گذارد، و در حال حاضر، همین، برای ما بس است. بسیاری از نویسندگان بزرگ، امیدی به نوشته خود نداشته‌اند، با این حال، خالق آثاری بزرگ شده‌اند. به همین دلیل ضرورت دارد آنانی را که به اشتیاق نوشتن آثار دراماتیک، برای نخستین بار دست به قلم می‌برند، به‌جای تنقید بی‌مورد، تشویق نمود و راه پایداری را نشانشان داد. امروزه مردم صلح‌پرور، در حالیکه رایحه دل‌انگیز آزادی را استنشاق می‌کنند، تحت همین شرایط، حاکمیتی دموکراتیک آفریده، به حصول آزادی ملی نائل شده‌اند. موفقیت‌های درخشان نهضت تاریخی ما که دستاورد آزادی مردم است، حیرت همگان را برانگیخته است. بنابراین دلیلی ندارد که به قصد معرفی این نهضت تاریخی، اثری گرانبها و نوین روی صحنه نیاید. همان‌گونه که به صورت مکتوب، خوانندگان خود را با دستاوردهای گرانقدر نهضت تاریخی ما آشنا می‌سازیم، به‌صورت عملی نیز ناگزیر از معرفی علل این افتخار بر روی صحنه هستیم. اگر چنین اثر بدیعی آفریده شود، افتخار نو-آوری‌های آن، نصیب هنرمندان ما خواهد بود. برای نویسندگان ما هزار امکان در جهت آفرینش چنین آثار گرانبهای وجود دارد. اما علت چیست که نویسندگان ما در این خصوص تأمل و اندیشه نمی‌کنند؟ در حالیکه صحنه تئاتر برای شکوفائی هرچه بیشتر، باید از آثار دراماتیک تغذیه‌کند. و برای همین است که فرقه ما باید نسبت به هر نویسنده با فرهنگ‌نگی که به عشق ترقی تئاتر ملی گام برمی‌دارد، ارزش فراوانی قائل شود. امروز که ذر پیرامون تئاتر تبریز سخن می‌گوئیم،

تئاتر ایران در این واقعیت هستیم که در طول تاریخ چهار ساله تئاتر ایران، باید سی و هشت سال آن را به عنوان دوره‌ای آغازگر، ارج نهیم در حقیقت نیز چنین است. زیرا که در مدت این سی و هشت سال، به یمن فعال بودن صحنه تبریز در عرضه آثار دراماتیک، تئاتر ما به شکوفائی سزاوار خود نائل آمده است. در هر کاری، شرط موفقیت، تنها به استمرار زمان، وابسته نیست. در امور عمومی یا سایر اموری که به سبب خلاقیت هنرمندان، موجب اشتها و افتخار می‌گردد، عامل تعیین کننده، کیفیت است، نه کمیت. طی دو سال اخیر، عامل اصلی شکوفائی سریع تئاتر تبریز، به صحنه آمدن آثار گرانبها از نویسندگان آذربایجان بوده است. این مهم، یکی از بزرگترین کمکهای معنوی خانه فرهنگ شوروی در تبریز به شمار می‌آید. هیئت هنرآفرین تئاتر ما، به منظور آفرینش آثار قوی در زمینه تئاتر، هم از جانب فرقه، و هم از جانب خانه فرهنگ شوروی در تبریز، انتظار مساعدتهای معنوی زیادی دارد. چرا که استمرار پیشرفت سریع تئاتر، منوط به خلق آثار هنری بدیع است. ما به حصول این مساعدتهای معنوی، اطمینان تام داریم».

«مدیر و رهبر نوین تئاتر دولتی آذربایجان - صمد صباحی»
 پایان بخش این قسمت از تاریخ تئاتر تبریز، تصویر جلد کتاب «سریم در صحنه» نوشته «اسماعیل افندیف» به زبان ترکی است. اسماعیل افندیف یکی از بازیگران و کارگردانان معروف آذربایجان شوروی است که در سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ شمسی بنا به دعوت انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شعبه تبریز، به تبریز آمده و با تئاترهای آن دوره از جمله گروه تئاتر دولتی آذربایجان از نزدیک همکاری داشته

است. این کتاب در چهل و چهار صفحه به رشته تحریر درآمده و توسط خانه فرهنگ شوروی انتشار یافته است. اسامعیان افندیف در تحریر این کتاب ضمن اینکه از کتابهای کسریوم استاد خود «لیو شیچنین» سود برده، تجربیات خود را نیز بدان افزوده است. ویراستار کتاب صمد صباحی است.



۱- آقایونس، پدر صمد صباحی، کشاورز بوده و در انقلاب مشروطه به عنوان فدائی داوطلب در خدمت سردار ملی ستارخان مبارزه علیه شجاع الدوله را آغاز کرد و در سنگر مبارزه، خانه و کاشانه اش توسط مرتجعین غارت شد.

۲- در شرح حال مربوط به صمد صباحی که توسط رضا آذری در روزنامه آذربایجان، ارگان فرقه دموکرات آذربایجان به چاپ رسیده است، تولد وی در ده میاب از محال مرند ثبت شده است. اما شرح حالی که خانواده محترم صباحی در اختیار راقم این سطور گذاشته اند، تولد ایشان را در شهر گنجه قید کرده اند.

۳- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر، شماره چهارم-پنجم، تصویر صفحه ۲۳۴
 ۴- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر شماره چهارم-پنجم، تصویر صفحه ۲۳۶
 ۵- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر شماره چهارم-پنجم، تصویر صفحه ۲۳۷
 ۶- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر شماره چهارم-پنجم، تصویر صفحه ۲۳۸
 ۷- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر شماره چهارم-پنجم، تصویر صفحه ۲۳۹
 ۸- نگاه کنید به فصلنامه تئاتر شماره نهم-دهم، از صفحه ۲۰۵ به بعد.
 ۹- دربارهٔ فعالیت تئاتری و سینمایی صمد صباحی در تهران در فرصت دیگری صحبت خواهیم کرد.

۱۰- در نگارش و تنظیم اسناد و مدارک مربوط به گروه تئاتر دولتی آذربایجان، هدف، مطلع کردن خوانندگان از اسناد و مدارک به یادگار مانده از آن دوران است. برخورد و بررسی تاریخی اسناد را به فرصت‌های دیگر وامی‌گذاریم.

۱۱- جهانگیر جهانگیراوف یکی از رهبران ارکستر معروف آذربایجان شمالی است. او از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ در تبریز بوده و با انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شعبه تبریز و همچنین تئاتر دولتی آذربایجان از نظر موسیقی اپراها و اپرت‌ها همکاری نزدیک داشته است. ضمناً در سال ۱۳۲۵ مسئولیت رهبری ارکستر موسیقی آذربایجان در تبریز با جهانگیراوف بوده است. وی بعد از انحلال فرقه به آذربایجان شمالی بازگشت.

۱۲- روزنامه آذربایجان، شماره ۱۶۱، دوره دوم، شنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۲۵ شمسی.

۱۳- پیش از اجرای نمایشنامه «کتاب مادرم» آثار باارزشی چه از نظر ادبی و هنری و چه از نظر کیفیت اجرایی توسط هنرمندانی چون حسین

عرب‌اوغلی، بیوک‌خان نخجوانی و... در صحنه‌های تئاتر تبریز به روی صحنه آمده است و این برخورد - کمی دور از واقعیت است و اینکه فقط آثاریکه به صورت دائمی در صحنه‌های تئاتر تبریز به صورت رپرتوار اجرا می‌شده‌اند، يك الی دو هفته تمرین می‌شد، چرا که بازیگران معمولاً نقش‌های ثابت را در این آثار داشته‌اند و دکور و البسه نیز معمولاً همان بوده‌اند که قبلاً هزینه کرده بودند.

۱۴- صمد صباحی در مقاله دیگری مسافرت گروه را به جاهای دیگری از جمله: ایسهر، ایلخچی، صائین‌قلعه، ملک‌کندی، بناب، یادآور می‌شود.
۱۵- روزنامه آذربایجان، ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۶، صفحه چهارم، توضیح این نکته لازم است که این شماره از روزنامه و برخی دیگر که نگارنده سالها قبل از آنها فتوکپی تهیه کرده و تاریخ شمسی و شماره آن خوانا نیست، ناچار مشخصات دیگر آن را که واضح بود آوردیم.
۱۶- روزنامه آذربایجان، شماره ۵۵.

۱۷- این نمایشنامه و نمایشنامه‌های دیگر در دوره فرقه دموکرات آذربایجان جملگی به زبان ترکی آذری اجرا می‌شده‌اند. این نمایشنامه را اسماعیل افتدیف یکی از کارگردانان شوروی، که در سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ در تبریز بوده، رهبری و نظارت می‌کرده است.
۱۸- روزنامه آذربایجان، نمره ۲۸۶، دوره دوم، ۵ شنبه ۷ شهریور ۱۳۲۵.

۱۹- روزنامه آذربایجان، نمره ۲۶۴، دوره دوم، ۵ شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۲۵.

۲۰- برای ما معلوم نیست درام سویل در دوره فرقه دموکرات آذربایجان در چه تاریخی اجرا شده است. متأسفانه پوستر آن موجود نیست.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی